

بازشناسی تاریخی و تزیینات کاروانسرای آلاکی

امین مرادی*
بهروز عمرانی**

چکیده

سرزمین آذربایجان در معماری ایران مرتبه نخست را دارد. آغاز فعالیت‌های معماری ایلیخانان به مرکزیت تبریز با بهره‌گیری از تجربیات و سنت‌های متقدم، فصل‌گشای عصر جدیدی در هنر و معماری این منطقه بوده است. کاربرد تزیینات معقلی و تلفیق آن با ویژگی‌های ممتاز سبک آذری در قالب تأکید بر ارتفاع بیشتر، استعمال سنگ تراشیده و بهره‌گیری بیشتر از هندسه، در یکی از زیباترین و منحصر به فردترین آثار معماری این دوران، موسوم به کاروانسرای آلاکی، برآیند تداوم سنت‌ها و اسلوب‌های برخاسته از مکاتب بنیادین محلی آذربایجان بوده است. مطالعات انجام شده در زمینه ساختارشناسی و معرفی تزیینات بنای آلاکی در زمره مهم‌ترین اهداف این تحقیق محسوب می‌شود؛ بدیهی است احیاء و شناخت ویژگی‌های معماری و تزیینی یک بنای ویران شده عصر ایلیخانی می‌تواند ما را در شناخت هرچه بهتر سیر تحول معماری و تزیینات وابسته به آن به خصوص در منطقه آذربایجان یاری کند. پرداخت اطلاعات در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی، مقایسه‌ای و تحلیلی بوده و روش یافته‌اندوزی در آن به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. حاصل این مطالعه، شامل معرفی ساختار کاروانسرای آلاکی در زمره قدیمی‌ترین طرح چهار ایوانی کاروانسرا در شمال غرب کشور و بررسی تزیینات بسیار پرتکلف آن است. بنا بر یافته‌های تحقیق، فنون به کار رفته در اجرای تزیینات کاروانسرای آلاکی را می‌توان قدیمی‌ترین نوآوری‌های معماری ایلیخانان در زمینه تزیین انواع فرم‌های کاروانسرا در منطقه آذربایجان دانست. از بارزترین مصادق سبک تزیینی این بنا می‌توان به الگوی خاص تزیینات سردر ورودی آن در قالب طاقنماهای تزیینی و تطابق آن با آثار و دست‌آوردهای مذهبی معاصر ایلیخانان اشاره کرد.

واژگان کلیدی

عصر ایلیخانی، کاروانسرای آلاکی، تزیینات معماری، منطقه آذربایجان.

* کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، نویسنده مسئول ۰۹۱۴۵۸۲۹۱۴۰
aminmoradi66@yahoo.com

** دکتری باستان‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
Parva_8@yahoo.com

مقدمه

توجه به ویژگی‌های پلان و تزیینات بنای مورد نظر می‌توان آن را قدیمی‌ترین نمونه طرح چهارایوانی کاروانسرا و پیشرو در زمینهٔ رایج قدیمی‌ترین تکنیک‌های تزیین کاروانسراهای آذربایجان در چهارچوب هنر ایلخانی دانست.

معرفی کاروانسرای آلاکی

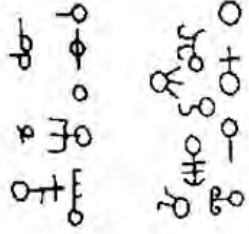


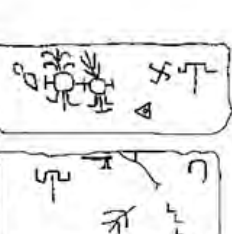
کاروانسرای آلاکی در ۱۳ کیلومتری شمال شهرستان مرند، از توابع آذربایجان شرقی قرار دارد (کیانی، ۱۳۸۷: ۲۸۰). ویلبر، آلاکی را تغییر یافتهٔ کلمهٔ "آلاکو" و برگرفته از کلمهٔ "هلاکو" (۶۶۳-۶۵۴ ه.ق) دانسته است^۱ (ویلبر، ۱۳۴۶: ۱۰۲). به نظر می‌رسد نام آلاکی از قلعه‌ای که در مجاورت آن قرار دارد، به عاریت گرفته شده همچنان که «سارگون»^۲ در متن لشکرکشی خود به آذربایجان به منظور تسلط بر روسا^۳ این چنین می‌نویسد: «... از شهرهای مستحکم «سانگیوتو»^۴ حرکت کردم؛ ... الهوه^۵ را پشت سر نهادم... به ناحیهٔ آلاکی نزدیک شدم... (مایر، ۱۳۸۸: ۷۷) حصارهای مستحکم که از سنگ صخره‌ای عظیم بود را با کلوخ کوب‌های آهنین و تیغه‌های فولادین خرد کردم (مایر، ۱۳۸۸: ۷۴). یکی از عناصری که در بسیاری از ساخت و سازهای سنگی دوره‌های گوناگون معماری ایران، از جمله دوره ساسانیان، به چشم می‌خورد نقوش و علائم حکاکی شده بر روی سنگ‌هاست. بررسی‌های جامعی نیز در خصوص مقایسهٔ فرم‌های ایجاد شده با خطوط باستانی یا علائم به کار رفته در آثار گوناگون تاریخی، اعم از علامت‌های آیینی، مذهبی یا تزیینی صورت پذیرفته و تشابهات زیادی در میان آنان یافت شده است. نظریه‌های رایج شده در رابطه با این گونه علائم به سه مورد امضای سنگتراشان، نشانهٔ تعلق مذهبی سنگ تراشان، علائم تزیینی-آیینی و اخباری طبقه‌بندی می‌شود (شاه‌محمدپور، ۱۳۸۳) پیرو مطالعات میدانی، تطابق نقوش حجاری شده در نمای جنوبی کاروانسرا با نمونه‌های مشابه در بناهای دربند، پاسارگاد، تخت جمشید، کنگاور، شهر گور، فرهادتراش که همگی مربوط به دورهٔ ساسانی است می‌تواند دلیلی بر رایج فرضیهٔ تعلق پایه‌های سنگی به دورهٔ ساسانی باشد که به منظور نیاز به امر تسریع رونق مسیرهای تجاری در آذربایجان مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند (جدول ۱).

آذربایجان یکی از مراکز پر قدرت معماری جهان است که فرایند تحولات معماری در آن تاریخی کهن دارد. قرون هفتم و هشتم هجری قمری عصر شکوفایی معماری و شهرسازی در آذربایجان بوده است (آجورلو، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۰). هر چند مغولان بیشتر به سبب قدرت نظامیشان مطرح می‌شوند، با این حال مواریت مغولان در هنر و معماری متعدد است (هال، ۱۳۹۱: ۱۲۴). آغاز پژوهش‌های باستان‌شناسی در فروردین ماه ۹۰ فصل‌گشای چشم‌انداز جدیدی در رابطه با ساختار معماری و تزیینات کاروانسراهای شمال غرب کشور بوده است. به طور کلی تحول و گسترش کاروانسراهای ایران در ادوار مختلف به وضعیت اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و ... بستگی داشته، شکل یابی و توسعهٔ آن با موارد یاد شده در ارتباط بوده است (کیانی، ۱۳۸۷: ۲۶۵). نکتهٔ مهم در رابطه با کاروانسرای آلاکی، نوآوری‌های ساختاری و ابداعات تزیینی آن، به عنوان یکی از نزدیک‌ترین کاروانسراهای دولت ایلخانی به مرکز حکومتی است، چرا که در نتیجه آبادی و امنیت راه‌های تجاری و دقت ایلخانان در دایره و مأمون نگهداشتن آنها، ممالک ایلخانی مرکز تجارت و داد و ستد مهمی شد و تبریز به خصوص بزرگترین بازار معامله بین شرق و غرب شد چون اغلب راه‌های بزرگ به مناسبت اهمیت موقعیت پایتخت بدان جا منتهی می‌شد (آشتیانی، ۱۳۸۹: ۵۷۳). تا این زمان بغداد مرکز تجارت بین‌المللی بود ولی از این دوره به بعد تبریز جای بغداد را گرفت (زارع، ۱۳۸۹: ۶۶). در بررسی تزیینات عهد ایلخانی در آذربایجان شاهد تغییر نگرشی هستیم که می‌توان آن را تلاوم دست‌آوردهای دولت سلجوقی پنداشت. افزایش فوق‌العاده نسبت حجم کاشی به آجر و تبدیل سنت پلان‌های کلاسیک دو ایوانی به طرح چهار ایوانی در دوره ایلخانی (آجورلو: ۱۳۸۹) را باید از مهم‌ترین ویژگی‌های بنای مورد نظر دانست. هدف از این پژوهش شناسایی ساختار فضایی و تزیینات این کاروانسرا طی دورهٔ ایلخانان است.

افزون بر این، با هدف شناخت بهتر تزیینات عمدهٔ عهد ایلخانان، با همین نگاه تزیینات کاروانسرای آلاکی با تزیینات به کار رفته در آثار و بناهای مذهبی معاصر کاروانسرای آلاکی در مرزهای آذربایجان مقایسه شده است. پیرو مطالعات میدانی، نگارنده معتقد است با

جدول ۱. مقایسه نقوش حجاری شده در نمای جنوبی کاروانسرای آلاکی با سایر بناهای ساسانی. مأخذ: نگارندگان.

Table 1. A Comparison between curved signs on the southern elevation of Alaki's Caravansary and other Sasanid constructions. Source: authors.

			
<p>نقوش حجاری فرهادتراش مأخذ: شاه‌محمدپور، ۱۳۸۳.</p>	<p>نقوش حجاری پاسارگاد مأخذ: شاه‌محمدپور، ۱۳۸۳.</p>	<p>نقوش حجاری بنای دربند، جمهوری آذربایجان مأخذ: شاه محمد پور، ۱۳۸۳.</p>	<p>نقوش دست‌گند، نمای جنوبی کاروانسرای آلاکی مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۰.</p>

۴۰ متر و در مرکز آن، یک حوض آب متأخر مدور به عمق ۷۵ سانتیمتر وجود دارد (جمیلی کاری، ۱۳۴۹: ۵۴).

دور تا دور حوض، دارای پاشویه است و به نظر می‌رسد یک دوره گسترش فضا در بنا صورت گرفته است که شامل حذف بخشی از حجره‌های رو به آن برای افزایش ابعاد حیاط در دوره‌های متأخر بوده است، همچنین دیوارهای بنا با برج‌های دفاعی در گوشه‌ها و نیم‌برج‌های دفاعی در سرتاسر طول اضلاع بنا تقویت شده است. در اضلاع چهارگانه بنا، حجره‌هایی برای اقامت کاروانیان ساخته شده و فضای پشت آنها به عنوان اصطبل و سایر بخش‌های خدماتی استفاده می‌شده است. از نکات جالب توجه در این پلان نقش مهم ستون‌های فضای پشت حجره‌های شمالی و دو طرف ضلع جنوبی است که برای اجرای دهنه‌های بزرگ‌تر برای پوشش سقف در این قسمت‌ها استفاده شده است.

اطلاعات حاصل از پی‌گردی‌های اخیر در این بنا موجب کشف یک حیاط عظیم با کف‌فرش سنگی از جنس سنگ‌های پاکتراش شده است. با توجه به پلان، کاروانسرا از نوع چهارایوانی و دارای صحن چهارگوش منتظم است. تحول و تکامل پلان دو ایوانی خراسانی به چهار ایوانی آذربایجانی از مهم‌ترین نقاط عطف در معماری عهد ایلخانی است که در مکتب تبریز حادث شد (آجورلو: ۱۳۸۹).

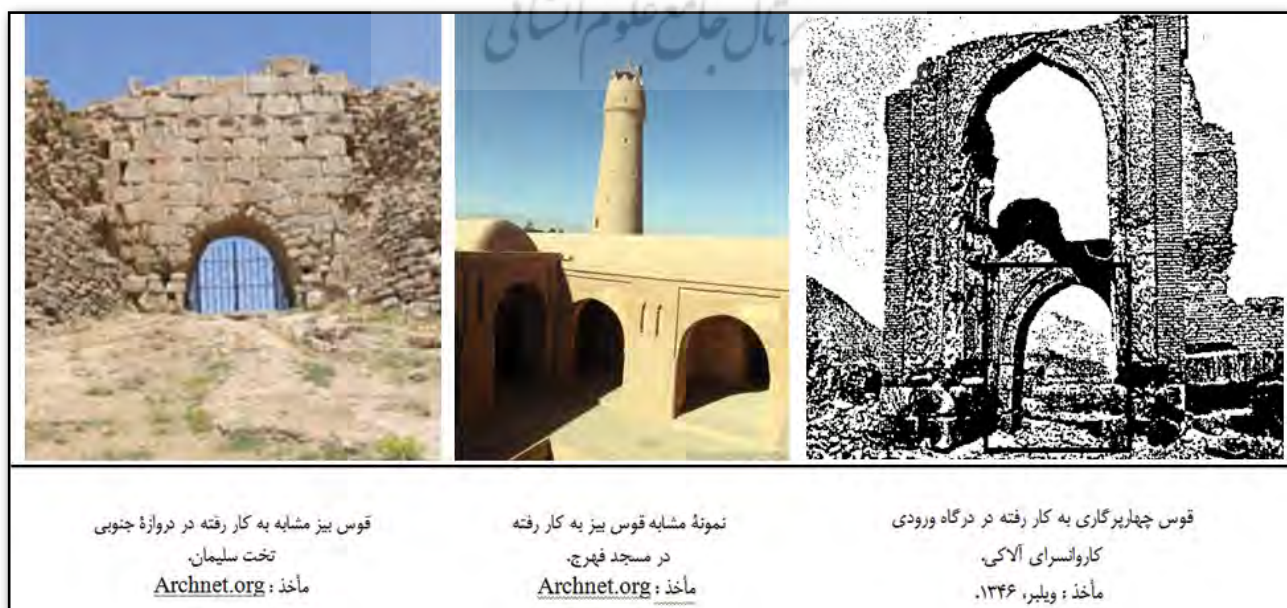
از آنجا که اقلیم آذربایجان در شکل‌دهی ساختار کاروانسراهای آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است، کاروانسراهای ماقبل این بنا عموماً از هر طرف بسته و پوشیده بودند تا به راحتی بتوانند جلو بادهای مداوم و برف‌های زمستانی و تگرگ‌های بهاری و پاییزی را گرفته، کاروانیان را از این گونه آسیب‌ها در امان نگه دارند (کیانی، ۱۳۸۷: ۲۷۴). از این منظر طرح کاروانسرای آلاکی را می‌توان قدیمی‌ترین طرح

معماران دوره ایلخانی در مقایسه با معماران عهد سلجوقی آثار خود را به لحاظ عظمت، تناسب اجزای ساختمان و پلان عالی از آنها متمایز کرده‌اند. (آجورلو: ۱۳۸۹) با توجه به مباحث حقوقی مالکین پیرامون اثر، کار پی‌گردی بقایای معماری کاروانسرا به منظور مرتفع کردن مشکل مذکور در یک چهارم پلان کاروانسرا صورت گرفت و نهایتاً منجر به استخراج خطوط پلان شد. کاروانسرای آلاکی شامل پلانی مستطیلی به ابعاد ۵۰ در ۶۰ متر با بدنه آجری بر سکویی با سنگ‌های تراش‌خورده عظیم است. نمای اصلی، شامل بخش جنوبی آن بوده که بدون شک، محل قرارگیری آن با موقعیت تابش آفتاب جهت تالو تزیینات آن بی‌تأثیر نبوده است. مطابق معماری کاروانسراهای ایلخانی، در محل مدخل کاروانسرا، سردر رفیعی ساخته شده و به بعد عمودی آن نسبت به بعد افقی توجه بیشتری شده است (آجورلو: ۱۳۸۹)، سردرهای بلند، مطلوب معمار است و همین ارتفاع، بر باریک‌نمایی حجم و باریک‌تر شدن دیوارها تأثیر گذاشته است (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۶). برای اجرای طاق ورودی آن از چفد کلیل آذری بهره‌گیری شده است. نام‌گذاری این چفد شاید به این انگیزه بوده که یا نخست در آذربایجان پدید آمده یا معمار نخست آن آذربایجانی بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۱۷) درب چوبی آن در داخل طاق سنگی دیگری بوده که به شیوه بیزه اجرا شده و یادآور سنت طاق زنی ساسانیان در تخت سلیمان و مسجد جامع فهرج است (جدول ۲).

ورودی دارای مقرنس با تزیین کاشی، کتیبه و بخش‌های داخلی آن شامل نقول^۷ و اسپر^۸ است. تنها مدخل اصلی ورودی بنا به صورت راهرویی قرار دارد. در شرق و غرب این راهرو ورودی بخش‌های مختلف جای داده شده است. حیاط به شکل مستطیل و به ابعاد ۳۰ در

جدول ۲. مقایسه طاق سنگی درگاه ورودی کاروانسرای آلاکی با شیوه‌های طاق زنی ساسانیان. مأخذ: نگارندگان.

Table 2. A Comparison between stony entrance arch of Alaki Caravansary and Sassanid arching methods. Source: authors.

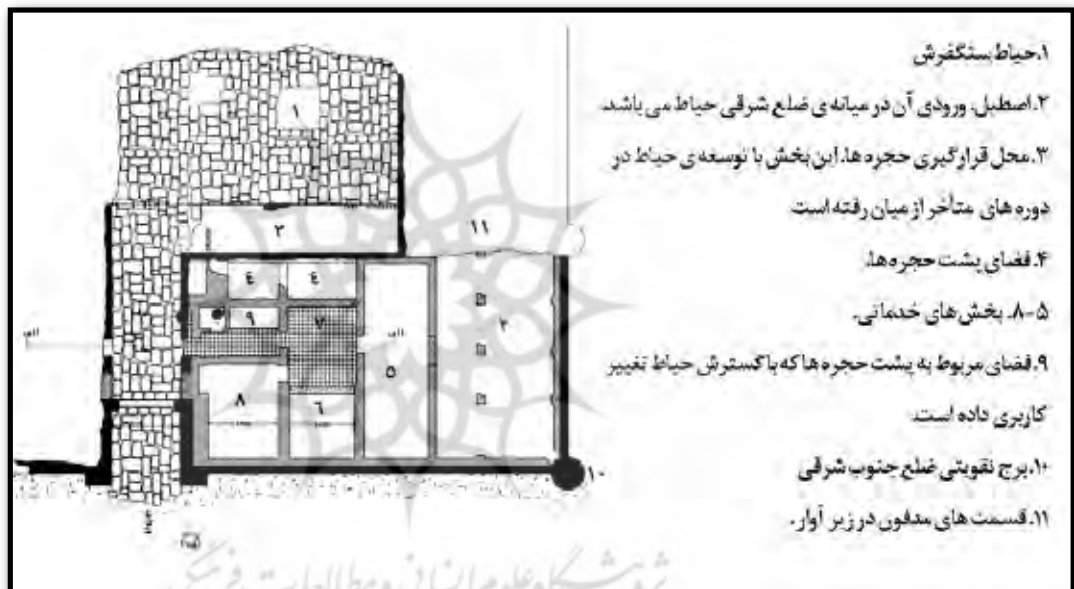


است (آجورلو : ۱۳۸۹). بر اساس مقایسه تکنیک‌های تزیین بناها در ایران، در نمونه‌های اولیه بیشترین تزیینات شامل تزیینات آجری و گچی است و از قرن دوازدهم م. / ششم ه.ق. است که به تدریج کاشی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Azami & Yasrebi: 2008) و رفته رفته کاشی در سطح وسیعی در تزیینات بناها به کار گرفته می‌شود (فرهمند و ابراهیمی : ۱۳۹۱). سابقه کاربرد گره‌چینی با تلفیق آجر و کاشی یا گره سازی درهم پیرامون سده‌های یازدهم- دوازدهم م. / پنجم- ششم ه.ق.، در مناره مسجد تاریخانه دامغان، مسجد جامع قزوین (۱۱۱۵ م. / ۵۰۹ ه.ق.)، مسجد حیدریه قزوین (سده دوازدهم م. / ششم ه.ق.)، مناره سین اصفهان (۱۱۳۱ م. / ۵۲۶ ه.ق.)، مقبره خواجه اتابک کرمان (۱۱۳۵ م. / ۵۳۰ ه.ق.)، مسجد ملک زوزن (۱۲۰۵ تا ۱۲۱۵ م. / ۶۰۰ تا ۶۰۱ ه.ق.)، مسجد جامع گناباد (۱۲۱۴ م. / ۶۰۹ ه.ق.)، مسجد فریومد (سیزدهم م. /

چهار ایوانی کاروانسرا در آذربایجان دانست (تصویر ۱ و طرح ۱).

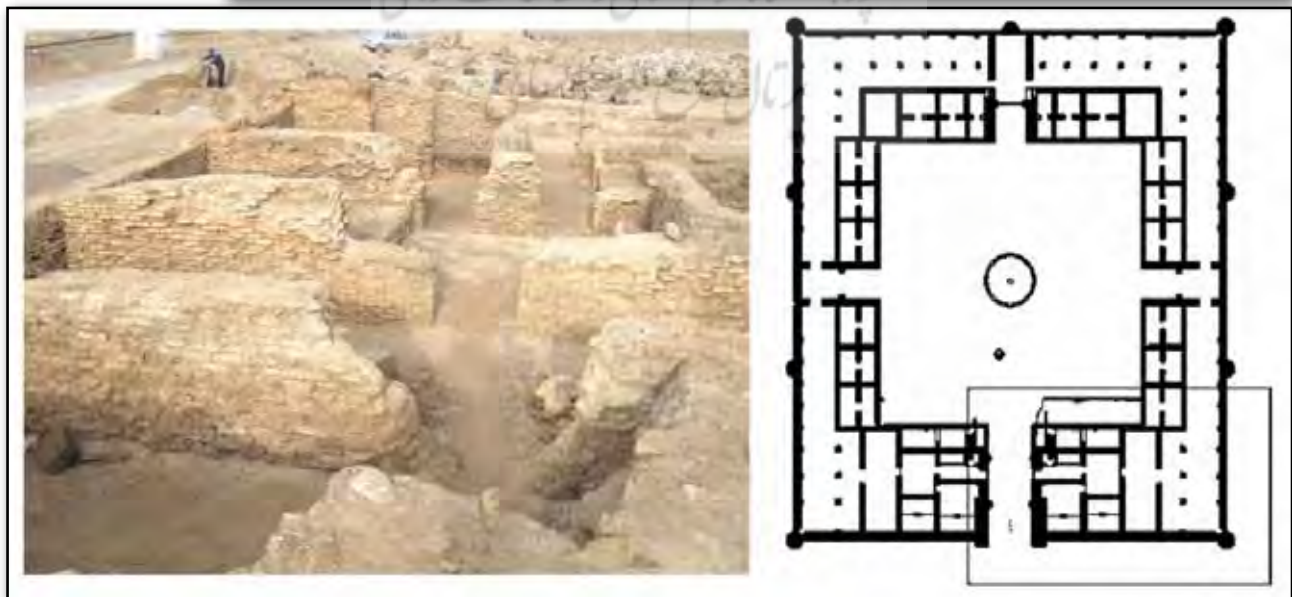
تزیینات

انواع و اقسام تزیینات آجرکاری و آراستن بنا با کتیبه‌های کوفی ساخته شده از آجر و یا گچ، شاخص سنت معماری دوره سلجوقی است (آجورلو : ۱۳۸۹)؛ ضربه مغول درست در لحظه‌ای وارد شد که لازم بود جوهر تزیینات ایرانی کلا دگرگون شود. احیا صورت گرفت، اما نه با جابه‌جایی کامل بلکه با تکمیل، آنچنان که سیر تکاملی گسسته نشد، بلکه با مضامین تازه‌ای تغذیه شد و از نابودی ناشی از رخوت نجات یافت (پوپ و آکرم، ۱۳۸۷: ۱۶۵). به همین سبب تحول در تزیین ابنیه، نقطه انتقال معماری سلجوقی به ایلخانی است که تدریجاً از تزیینات آجرکاری به کاشیکاری تغییر یافته و بر کاشیکاری معرق با نقوش هندسی و گیاهی و یا کتیبه تأکید شده



طرح ۱. معرفی بخش‌های مختلف کاروانسرای آلاکی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱.

Sketch1.An
 Introducing to Different Parts of Alake's Caravanserai.
 Source: authors, 2012.



تصویر ۱. پلان بازسازی شده کاروانسرای آلاکی طبق پی‌گرددی‌های صورت گرفته در یک چهارم فضای آن. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱.
 Fig. 1. The Restored plan of Alake's Caravanserai According to excavations on one-fourth space of its structure. Source: authors, 2012.

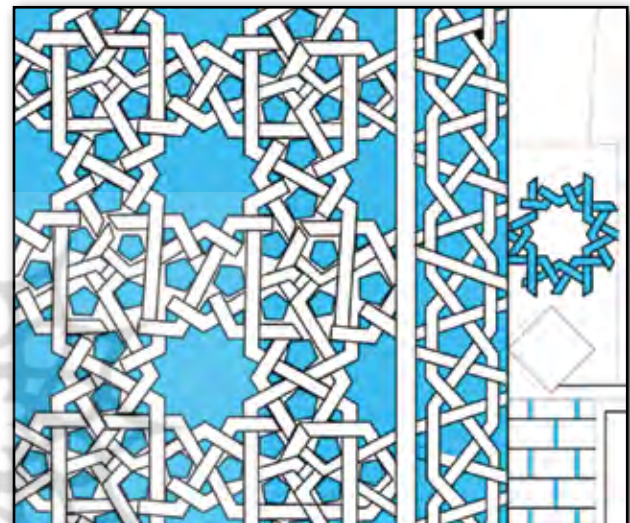
هفتم ه.ق. و ...

آبساب می‌شود تا قطعاتی کاملاً مسطح به وجود آید. قطعات کاشی نیز بر طبق طرح تراشیده می‌شود. اجرای این تکنیک نیز به شیوه تخمیر انجام می‌گیرد. شکل و زمینه گره بر روی تخمیر گچی پیاده می‌شود و زمینه آجری در جای خود قرار می‌گیرد. برای برجستگی از کناره‌های باریک چوب یا مقوا استفاده می‌شود و کاشی بر روی آن قرار می‌گیرد. پس از دوغاب‌ریزی تخمیر، کناره‌های چوب یا مقوا به راحتی برداشته می‌شود تا سطحی برجسته یا تو گود به وجود آید (زمرشیدی، ۱۳۶۵: ۳۱). کتیبه آجری بالای طاق مدخل ورودی در نمای اصلی که به خط کوفی بوده است در زمینه‌ای از کاشی فیروزه‌ای به صورت معقلی اجرا شده است. برای تهیه رنگ فیروزه‌ای به لعاب کاشی براده مس و در ایجاد رنگ لاجوردی به لعاب آن اکسید کبالت می‌افزودند (شروه و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۶).

فن کاشی معرق

تزئین از مهم‌ترین دست‌آوردهای معماری ایرانی و کاربرد کاشی در بنا از مشخصه‌های بارز آن است. به نظر می‌رسد، ایران نخستین کشوری باشد که فن کاشیکاری به طور گسترده در تزئین بناهای آن به کار رفته است (Azami & Yasrebi:2008). بخشی از تزئینات کاروانسرای آلاکی شامل کتیبه‌ها است که در آن از فن کاشی معرق^۱ استفاده شده است. دوره ایلخانی، عصر برتر کاشیکاری، توسعه صنعت کاشی و گسترش فراگیر کاشی‌های معرق و زرین‌فام بوده و همان دوره تبریز از مراکز مهم صنعت کاشیکاری شد (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۴۰-۱۳۳) یا قوت حاوی، که مقارن حکومت ایلخانان از تبریز دیدار کرده است، به کاشیکاری‌های زیبای منازل مسکونی تبریزیان اشاره داشته است (Kerimov, et al., 1992: 58-62). مطابق آثار به

دیده می‌شود (ویلیبر، ۱۳۸: ۴۹-۴۰). شاید بتوان اولین نمونه‌های بارز این پیشرفت در آذربایجان را در گنبد سرخ و گنبد کبود مراغه یافت (فرهمند، سلیمانی، ۱۳۹۱). گره‌چینی با ترکیب آجر و کاشی در مدخل ورودی کاروانسرای آلاکی برای تزئین عناصر ساختاری بنا - که صرفاً کاربردی نیستند و می‌توانند نقش تزئینی نیز داشته باشند - مانند نغول و طاق‌نما به کار رفته است. آلات گره‌چینی شامل طرح‌های شمشه، سرمه‌دان، پنج‌کند، ترنجی و ستاره و ... بوده و شیوه اجرای آن به این صورت بوده است که ابتدا آلات گره از آجر با تیشه تراشیده می‌شده، آلات تراشیده‌شده ابتدا آب‌خوار شده و سپس



طرح ۲. بخشی از گره تزئینات معقلی اجرا شده در نمای ورودی کاروانسرای آلاکی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱.

Sketch No 2-Part of Executed Moa'ghaliOrnaments on the Entrance View of Alake'sCaravanserai. Source: authors, 2012.



تصویر ۳. بقایای بخشی از کتیبه بنا به روش معرق که شامل خطوط فیروزه‌ای در بستر لاجوردی است. عکس: امین مرادی، ۱۳۹۱.

Fig. 3. The remnants of inscriptions made in cut Tile style including turquoise colored texts in cobalt blue background. Photo: Amin Moradi, 2012.



تصویر ۲. آخرین بقایای برجای‌مانده از مدخل ورودی کاروانسرای آلاکی قبل از تخریب کامل. مأخذ: مرندی، ۱۳۸۷.

Fig. 2. The Latest remnants of the Caravansary entrance space before total destruction. Source: Marandi: 2008.

در اجرای فن لعاب‌پران، پس از نصب کاشی‌ها، از میان نقش‌ها تکه لعابی را می‌پراندند تا رنگ خود سفال پیدا شود و مثل نگینی در میان کاشی‌ها جلوه‌گری کند (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۳۸۶). با توجه به نمونه‌های یافت شده به نظر می‌رسد که این فن، از دوره ایلخانی در تزیین بناها رواج یافته و پیش از آن در هیچ بنایی دیده نشده است (فرهمندوسلیمانی، ۱۳۹۱). این تکنیک در حاشیه کتیبه‌ها در قالب نقوش گیاهی به کار رفته است. درهم آمیختگی فرم‌های گیاهی و نقوش هندسی در این بنا، نشان‌دهنده نمودهایی از اولین دست‌آوردهای ایلخانان در تزیین ابنیه به صورت ترکیب نقوش مختلف است. «پوپ» خاور دور را در ایجاد طرح‌ها و اشکالی با شاخصه طبیعت‌گرایی جدید و سلیقه‌ای تازه سهمیم دانسته و معتقد است که این تحول موجب شد دو جنبه متناقض، یعنی خشک‌ترین هندسه و فرم‌های سیال گیاهی در جوار هم قرار گیرند (نجیب‌اوغلو، ۱۳۷۹: ۱۵۴). در مزار شیخ عبدالصمد نطنزی اصفهانی، بقعه پیر بکران^{۱۴}، مسجد جامع اشترجان^{۱۵} و گنبد غفاریه فن لعاب‌پران دیده می‌شود و می‌توان آن را مشخصه دوره ایلخانی دانست (تصویر ۵).

در این بنا تقریباً آجرکاری پرکاری دیده نمی‌شود. شاید تنها بتوان قاب‌بندی‌هایی که به صورت تورفتگی به شکل طاق‌نما و یا پیش‌آمدگی‌های آجری در ورودی بنا دیده می‌شود جزء تزیین آجری برشمرد. استفاده از آجر در سایر بخش‌های ورودی نیز به صورت قالب‌های معمولی در رج‌چینی دیوارها مورد استفاده قرار گرفته است و در مقابل حجم تزیینات کاشیکاری قابل توجه نیست. فرم مشخصی از طاق‌نماهای تزیینی با زوایای شکسته که در دوره سلجوقی نهادینه شده بود. از دیگر تکنیک‌هایی هستند که در این کاروانسرا آلاکی به کار گرفته شده‌اند. از نمونه‌های اولیه آن در طاق‌نماهای داخلی برج خرقان (۵۴۸۶ق.ه) و نمونه‌های بسیار متنوع آن در دوره ایلخانی در محراب گجبری مسجد جامع مرند (۷۳۱ق.ه)، صندوق قبرهای روستای شادآباد تبریز (۷ و ۸ق.ه)، صندوق قبرهای روستای النجق^{۱۶} و روستای کوهول را نام برد. از

دست آمده از پی‌گردی‌ها، فن کاشی معرق در کاروانسرای آلاکی در کتیبه‌های نوشتاری با محدودیت رنگی به کار رفته است. در واقع گسترش رنگ در فن کاشی معرق دوره تیموری و صفوی دیده می‌شود. از بناهای شاخص دوره ایلخانیان که در آنها از فن کاشی معرق استفاده شده است می‌توان به گنبد سلطانیه، مسجد جامع اشترجان، مسجد جامع ورامین، امامزاده جعفر، مقبره بابا قاسم، مدرسه امامی و ... اشاره کرد (فرهمند و سلیمانی: ۱۳۹۱). کتیبه موجود بر بدنه مدخل بنا که به گفته «جرج مابلز» جزو اولین کتیبه‌های موجود بر ساختمان‌های ایرانی به زبان فارسی است (عزیزیان، ۱۳۷۸: ۲۹۹) با تکنیک معرق ایجاد شده است.^{۱۱} در کاروانسراهای دوره‌های مختلف ایران، از زمان پیدایش تا عهد ایلخانان، کتیبه‌ها بیشتر از جنس آجر و گچ است، مانند کاروانسرای شرف (کیانی، ۱۳۷۴: ۶۴) اما از سده سیزدهم م. ششم ه.ق. به تدریج کاشی در ساخت کتیبه کاروانسراها به کار رفته است. قبل از ابداع تکنیک معرق در کاشیکاری، استفاده هم‌زمان از آجر به عنوان زمینه و کاشی برای حروف در کتیبه‌نگاری در اوایل دوره ایلخانی زیاد تکرار شده است؛ مثل گنبد سلطانیه، مزار شیخ عبدالصمد نطنزی^{۱۲} و مسجد جامع ورامین^{۱۳} (فرحانی: ۱۳۹۰). پیرو مطالعات میدانی به نظر می‌رسد بنای کاروانسرای آلاکی جزو قدیمی‌ترین نمونه‌های کاروانسرا در آذربایجان است که در آن برای اجرای بخشی از کتیبه‌ها و تزیین آن، از تکنیک کاشی معرق و نیز کاشی لعاب‌پران استفاده شده است.

کاشی لعاب‌پران

توسعه تزیین بناها در دوره ایلخانان به معماری این دوره، تشخص، شخصیت و استقلال بخشید (Hillenbrand, 1999:201). در کاروانسرای آلاکی غیر از فن کاشی معرق و گره‌چینی با تلفیق آجر و کاشی، از فن کاشی لعاب‌پران نیز استفاده شده است که منشأ آن مربوط به دوره ایلخانی بوده و در قیاس با دیگر فنون، کاربرد کمتری داشته است (تصویر ۴).



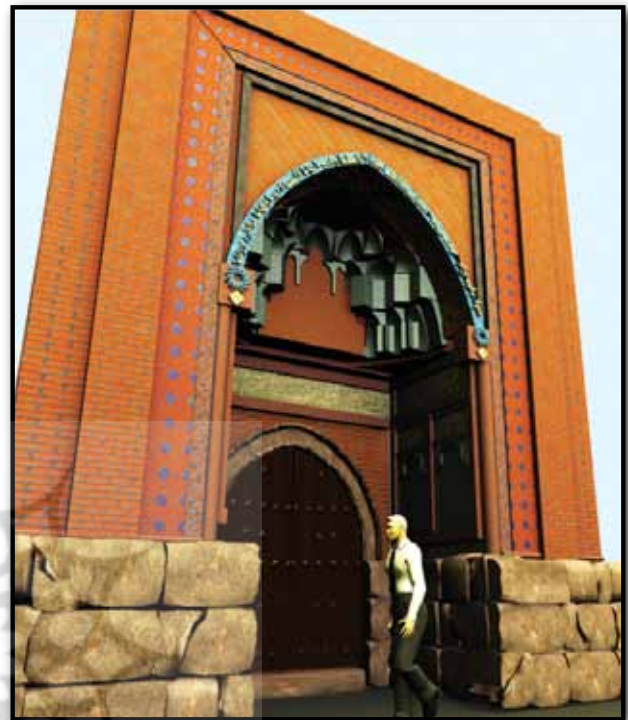
تصویر ۴. بقایای کاشی لعاب‌پران اطراف نغول‌های تزیینی مدخل ورودی بنا. اولین نمونه‌های کاربرد نقوش گیاهی در کنار فرم‌های هندسی. عکس: امین مرادی، ۱۳۹۱.
Fig. 4. The remnants of glaze dented tiles around arch-faced decorations in the building entrance. The first samples of utilizing plant patterns and geometrical forms together. Photo: Amin Moradi, 2011.

و بخشی از دست‌آوردهای هنری ایلخانان چه از نظر سبکی، چه مراتب تاریخی و چه مفاهیم یا محتوا، ملهم از ایدئولوژی ایلخانان در تزئین آثار هنری بوده و ارتباط عمیقی با باورها، مفاهیم و سنن قوم مزبور داشته است.

نکات جالب توجه در تزئینات بنای کاروانسرای آلاکی مطابقت نغول‌های تزئینی مدخل ورودی با نمونه‌های مشابه آن در تزئینات آثار و ابنیه مذهبی این دوره است. به نظر می‌رسد، تطابقات موجود بین تزئینات یک بنای عام‌المنفعه



تصویر ۶ کاربرد نغول‌های تزئینی با زوایای شکسته در برج خرقان. مأخذ: پیرنیا، ۱۳۸۷.
Fig. 6. Application of arch-faced decorations with an acute angle in Kharaqan Tower. Source: Pirnia, 2008.







تصویر ۵ بازسازی تزئینات مدخل ورودی کاروانسرای آلاکی بر اساس اسناد و شواهد باستان‌شناختی. مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۲.

Fig. 5. Rehabilitated decorations of entrance space of Alaki Caravansary based on documents and archeological evidences. Source: Amin Moradi, 2012.

جدول ۳. تشابه نغول‌های تزئینی ورودی سردر کاروانسرای آلاکی با آثار و ابنیه مذهبی ایلخانان. مأخذ: نگارندگان.

Table 3. The similarity between arch-faced decorations of Alaki Caravansary with Other works and religious buildings of the Ilkhanate. Source: authors.

			
بخشی از گچبری محراب ایلخانی جامع مرند (۷۳۱ هـ.ق) (نگارنده: ۱۳۹۰)	صنوق قبرهای گورستان شادآباد تبریز (قرن هشتم هـ.ق) (نگارنده: ۱۳۹۰)	ورودی سردر بنای آلاکی. مأخذ: مرندی: ۱۳۸۷.	نقوش حجاری شده سنگ قبرهای گورستان النجف مرند (نگارنده: ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

استیلای مغول و تسلط بر قسمت اعظم آسیا، مخصوصاً ممالک متمدنه قدیم و طرق ارتباطیه مهم آن تحت یک اداره و حکومت واحد، موجب شد تا ضمن نیاز به ساخت و ساز مجدد در این مسیرها، استفاده از مصالح ابنیه قدیمی به منظور تسریع در اجرای پروژه‌های ساختمانی، در اولویت کار معماران قرار گیرد. با توجه به تنوع و پراکنش بسیار آثار و ابنیه برجای مانده از دوره‌های پیش از تاریخ تا دوره اسلامی در دشت آلاکی به نظر می‌رسد، شالوده سنگی بنای کاروانسرا مربوط به یک بنای ساسانی بوده است که در ساختار کاروانسرا مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجایی که اکثر کاروانسراهای آذربایجان به منظور ترفیع مشکل گرمایش در قالب کاروانسراهای سرپوشیده قرار گرفته‌اند، گذر از شیوه اجرای پلان به صورت سرپوشیده به طرح چهار ایوانی در کاروانسرای آلاکی را باید قدیمی‌ترین نمونه این تحول در معماری کاروانسراهای آذربایجان دانست. زیبایی‌شناسی هنر ایرانی بر اصل تزیین استوار است؛ در این بنا از سه تکنیک تزیین مشتمل بر گره‌چینی با آجر و کاشی، کاشی معرق و کاشی لعاب‌پران استفاده شده است. کاربرد فن گره‌چینی با آجر و کاشی در عناصر ساختاری مثل طاق‌نماهای تزیینی و شامل گره‌های هندسی است. فن معرق که در ابتدا با ترکیب آجر و کاشی از سده یازدهم م. / پنجم ه.ق. آغاز شد، در دوره ایلخانی با تلفیق کاشی با دور رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی در بناها به کار رفت تا اینکه در دوره تیموری و صفوی تنوع رنگی و رونق بیشتری پیدا کرد. می‌توان پنداشت که تزیینات اجرا شده با تلفیق آجر و کاشی در کاروانسرای آلاکی (به صورت گره‌های هندسی) به تدریج راه خود را به سوی فن کاشی معرق در تزیین کاروانسراهای دوره‌های بعد آذربایجان باز کرده است. کاربرد اولیه فن کاشی لعاب‌پران در دوره ایلخانی است، هرچند قدیمی‌ترین نمونه‌های استعمال آن در گنبد غفاریه قابل مطالعه است، پیرو مطالعات میدانی، این فن پیش از اجرا در تزیینات کاروانسرای آلاکی، در هیچ کاروانسرای دیگری در آذربایجان دیده نشده است. از آنجایی که دین مهم‌ترین عامل تشکیل‌دهنده در ساختار اجتماعی، فرهنگی و هنری جوامع سنتی به شمار می‌رود، علی‌رغم وجود تفاوت بین ادیان مختلف، می‌توان نکات مشترکی نیز بین آنها ملاحظه کرد. مهم‌ترین عامل در بقای اعتقاد و باورهای مردم، کالبد بخشیدن به آنها در قالب معماری است. کاربرد فرم‌های تزیینی مشترک بین نغول‌های کاروانسرای آلاکی و آثار مذهبی معاصر آن گواه بر هم‌ریشه‌بودن این بنا با باورها و اعتقادات مذهبی ایلخانان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. به نظر می‌رسد، تاریخ‌گذاری «ویلبر» در مورد بنای مورد نظر تنها در مورد تزیینات سردر ورودی با توجه به کتیبه برجای مانده صورت گرفته است. همچنان که در بخش معرفی سردر بدان خواهیم پرداخت، قوس سنگی اجرا شده در ورودی بنا مربوط به دوره قبل از ایلخانان بوده است.

۲. ساروم، کن دوم، که در کتاب مقدس از او به نام سارگون دوم یاد شده است. ۷۲۱ تا ۷۰۵ ق.م.

Rossa ۳

۴. محدوده ای در شمال شهرستان مرند که امروزه به نام سانگ بوران معروف است

۵. پیوتروفسکی محدوده فعلی شهر الهو را در محل فعلی شهرستان مرند شناسایی کرده است (پیوتروفسکی، ۱۳۸۱: ۳۱).

۶. نوعی قوس چهارپرگاری که هم تزیینی است و هم نیمه باربر. البته باربری این نوع قوس در حد قوس‌های تیز نیست.

۷. لوحی است تزیینی با تورفتگی اندک که هم برای کم‌کردن بار و هم در نمای بناها و سطوح مجردی به کار می‌رود (فرهمند و سلیمانی، ۱۳۹۱).

۸. در اصطلاح معماری، بدنه مربع یا مستطیل یا نزدیک به آنکه ترکیب مستطیلی از کاشیکاری، گچ‌بری، نقاشی، آینه‌کاری یا نظایر آنها را دربر دارد (بهشتی، قیومی، ۱۳۸۸: ۳۳).

۹. در این روش، تکه‌هایی از کاشی همانند نگین و به گونه‌ای ساده در میان آجرچینی به کار برده می‌شد که نمای زیبایی را پدید می‌آورد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

۱۰. برای ساخت کاشی معرق ابتدا کاشی را به قطعات کوچک یا بزرگ می‌برند و آنها را طبق نقشه‌ای که قبلاً تهیه شده کنار هم می‌چینند و سپس با دوغاب گچ درزا را بر می‌کنند به طوری که تمامی آن به صورت یک قطعه کاشی یکپارچه در آید و زمانی که سفت و محکم شد آن را بر روی بنا نصب کنند.

۱۱. متأسفانه به دلیل تخریب‌های صورت گرفته و غارت کتیبه‌ها متن کتیبه‌ها قابل تشخیص نیست.

۱۲. مزار شیخ عبدالصمد، در شهرستان نطنز از توابع استان اصفهان است. در نطنز چهار واحد در ساختاری مرکب، کنار هم قرار گرفته‌اند. آنچه از بنای اولیه بر جای مانده است، چنان که از کتیبه احداثیه پیداست، خانقاهی است که در اوایل سده چهاردهم م. / هشتم ه.ق. با حمایت زین‌الدین ماستری ساخته شده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۸۹).

۱۳. در این بنا از دو کتیبه در سردر ورودی با تکنیک معرق استفاده کرده‌اند (فرهمند و سلیمانی، ۱۳۹۱).

۱۴. بنای اصلی بقعه طبق کتیبه‌های آن، بین سال‌های ۱۳-۱۳۱۲ م. / ۴-۷۰۳ ه.ق.، ساخته شده است. بقعه پیر بکران از سه قسمت شامل راهرو، صحن و مقبره، تشکیل شده است. در انتهای راهرو مدخل ایوان قرار دارد که بالای آن کتیبه‌ای به تاریخ ۱۳۰۳ م. / ۷۰۳ ه.ق. است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۵۲).

۱۵. مسجد جامع اشترجان، تاریخ ساخت ۱۳۱۵ م. / ۷۱۵ ه.ق. بانی مسجد که نام او در کتیبه سردر اصلی صریحاً ذکر شده است «فخرالدین محمدبن محمود بن اشترجانی» از مستوفیان و منشیان سلطان ابوسعید بهادرخان بوده است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۲۲).

۱۶. التنج در ۳۵ کیلومتری شمال تبریز قرار دارد. بقایای بسیار متنوع مقابر ایلخانی در قالب حجاری در آن قابل مطالعه است.

فهرست منابع

- آجورلو، بهرام. ۱۳۸۹. در آمدی بر سبک معماری آذربایجان. فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، ۷ (۱۴): ۱۴-۳.
- آجورلو، بهرام. ۱۳۸۸. پژوهشی باستان‌شناختی در ارک علیشاه تبریز. تبریز: انتشارات فروغ آزادی.
- آشتیانی، عباس. ۱۳۸۹. تاریخ مغول. تهران: انتشارات سپهر ادب.
- بهشتی، قیومی و محمد، قیومی، مهرداد. ۱۳۸۸. فرهنگنامه ایران در مراجع فارسی. تهران: فرهنگستان هنر.
- پوپ، آرتور و آکرمن، فیلیس. ۱۳۸۷. سیری در هنر ایران. تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۷. سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: انتشارات سروش دانش.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۴. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سروش دانش.
- پیوتروفسکی، بوریس. ۱۳۸۱. اورارتو. ت: رشید برناک. تهران: انتشارات اندیشه نو.
- جمیلی کارری جیوانی، فرانچسکا. ۱۳۴۹. سفرنامه کارری. ت: عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: انتشارات فرانکلین.

- عزیزیان، حسن. ۱۳۷۸. تاریخ مرند. مشهد: نشر گوهر سیاح.
- فرحانی، علی. ۱۳۹۰. مسجد جامع ورامین. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد-افق آینده. تهران: دانشگاه هنر.
- فرهمند، حمید و ابراهیمی، پروین. ۱۳۹۱. گونه‌شناسی تزئینات گنبد غفاریه مراغه براساس الگوی تطبیقی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، (۱۶): ۸۹-۱۰۰.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. چاپ اول. تهران: سمت.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۶. تزئینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۸۷. معماری ایران (دوره اسلامی). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- زارع، پرویز. ۱۳۸۹. تاریخ پانصدساله تبریز. تبریز: انتشارات امیرکبیر.
- زمرشیدی، حسین. ۱۳۶۵. گره‌چینی در معماری اسلامی و هنرهای دستی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شاه‌محمدپور، علیرضا. ۱۳۸۳. علایم حجاری شده بر سنگ‌های تخت سلیمان. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران (حوزه شمال غرب کشور). پژوهشکده باستان‌شناسی کشور.
- شروه، عرب علی و ابراهیمی، مریم. ۱۳۸۷. لعاب و مواد سرامیک. تهران: انتشارات رهام.
- مایر، والتر. ۱۳۸۸. گزارش لشکرکشی سارگون به اورارتو در سال ۷۱۴ ق.م. ت: فرامرزد نجد سمیعی. آذربایجان غربی: سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی آذربایجان غربی.
- مرنندی، میرهدایت. ۱۳۸۷. تاریخ مرند. تبریز: انتشارات سحر.
- نجیب‌اوغلو، گلرو. ۱۳۷۹. هندسه و تزئین در معماری اسلامی: (طومار تویقایی). مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۸۹. سیر تحول کاشیکاری در معماری ایران (دوره اسلامی). ت: ربابه خاتون ییله فروش. تهران: انتشارات چهار طاق.
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۴۶. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ت: عبدالله فریار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هال، مری. ۱۳۹۱. امپراطوری مغول. ت: نادر سمیعی. تبریز: انتشارات شایسته.
- هنرفر، لطف الله. ۱۳۵۰. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. اصفهان: کتابفروشی ثقفی.

Reference list

- Ajoorlu, B. (2009). *Pazhuheshi bastanshenakhti dar arg- e alishah- e Tabriz* [An Archaeological Research in Ark-e-Alishah of Tabriz]. Tabriz: Publication of Forugh-e Azadi.
- Ajoorlu, B. (2010). An Introduction to Azerbaijan Architecture Style. *Journal of Bagh-e Nazar*, 7(14): 3-14
- Ashtiyani, A. (2010). *Tarikh- e Moghol* [Mongol History]. Tehran: Publication of Sepehr-e-Adab.
- Aziziyan, H. (2001). *History of Marand*. Mashhad: Govhar Sayyah Publication.
- Beheshti, M. & Gayoomi, M. (2009). *Farhangname- ye Iran dar maraje' e Farsi* [Iranian's Encyclopediain Persian Sources]. Tehran: Art Academy.
- Carri, J. (1970). *The Travels of Carri*. Translated fom Italian by Nakhjevani, A & Karang, A.A. Tabriz: FranklinePublication.
- Farhani, A. (2011). Jame Mosque of Varamin. *Confrence proceeding of the second International Architecture of Mosque held in Tehran*. Conducted by the Art University of Tehran. Tehran: Art University.
- Farahmand, H. & Ebrahimi, P. (2012). Gooneshanasi- ye tainat- e gonbade ghaffarie maraghe bar asase olgu- ye tatbighi [Typology of Maragheh's Ghafariyeh Dome Decorations based on Adoptive Pattern]. *Journal of Islamic Art Studies*. 3(16): 89-100.
- Hall, M. (2013). *Mongolian's Empire*. Translated from English by Samiyi, N. Tabriz: ShayestehPublication.
- Honarfar, L. (1971). *Treasures of Esfahan Historical Works*. Esfahan: Saghafi Book Store.
- Kiani, M. (1996). *Tazinat- e vabaste be memari- ye Iran dore- ye Islami* [Dependent Decoration Dating Back to Islamic Iran's Architecture]. Tehran: Organization of Art Books Collection and Studies (SAMT).
- Kiani, M. (1994). *Tarikh- e memari- ye Iran dar dore- ye Islami* [History of Iranian Architecture in Islamic Period]. Vol 1. Tehran: SAMT.
- Kiani, M. (2008). *Memari- ye Iran* [Iranian Archirecture]. Tehran: SAMT.
- Marandi, M. (2008). *Tarikh- e Marand* [History of Marand]. Tabriz: SaharPublication.
- Mayer, W. (2009). *Saragon's Feldzug Gegen Urartu 714 v.chr*. Translated from English by Nadjd-e Samiei, F. westAzerbaijan: Cultural Heritage and Handicrafts Organization of west Azerbaijan.
- Najiboghlu, G. (2002). *Geometry and Decoration in Islamic Architecture*. Translated by Ghayumi, M. Tehran: Rouzaneh Publication.
- Pirniya, M. (2004). *Ashnaee ba memari- ye Islami- ye Iran* [Introduction to Islamic Architecture of Iran]. Tehran: Publication of Soroush-e-Danesh.
- Pirniya, M. (2008). *Sabkshenasi- ye memari- ye Iran* [Iranian Architecture Stylistism]. Tehran: Publication of Soroush-e-Danesh.
- Piotrovsky, B. (2002). *Orartou*. Translated from the Russian by Bornak, R. Tehran: Publication of Andishe-No.
- Pop, A. & Acerman, F. (2008). *An Exploration of Iran's Art*. Tehran: Publication of Scientific and Cultural Corporation.
- ShahmohammadPour, A. (2004). Takht-Soleyman's Curved Signs on Stones. *ConfrenceProceeding of the International Archeology of Iran (North-west zone)*. Tehran: Iranian's Institute of Archeology.
- Sherveh, A.A. & Ebrahimi, M. (2008). Glaze and Ceramic Materials. Tehran: RohamPublication.
- Vilbern, D.N. (1996). *Iranian Islamic Architecture in Ilkhanian's Period*. Translated from English by Faryar, A. Tehran: Translation And publication Agency.
- Vilberne, D.N. (2009). *Evolution of Tiling in Iran's Architecture (Islamic Period)*. Translated from English by Pile foroush, R. Tehran: ChaharTaghPublication.
- Zare, P. (2011). *Tarikh- e 500 sale- ye Tabriz* [500-years History of Tabriz]. Tabriz: Amir KabirPublication.
- Zomorshidi, H. (1986). *GerehChiniin Islamic Architecture and Handicrafts*. Tehran: Center of Academic Publication.

An exploration of historical recognition and decorations of Alaki Caravansary

Amin Moradi*
Behruz Omrani**

Abstract

Ilkhani period in Azerbaijan holds the first place in Iranian architecture. Ilkhanid architecture commenced since Tabriz became the capital and it began to flourish by using the past experiences and Iranian traditions to configure a new era is an important period in creating local styles in art and architecture of this land. The utilization of cut-patterned tile whose effect on formation of artistic traditions of Iran is considerable. Grandeur observed in the architecture of this period especially in Azerbaijan province is premium full of care taste, and selectivity. The existence of magnificent and artistic monuments in this area is not surprising because Azerbaijan has been cradle of art and zeal in all periods. This position is clear for the people who have recognized the styles of Azerbaijan in traditional Iranian architecture and are familiar with their techniques. Although the lack of recording these achievements and study shortage along with technical examinations are the big deficiencies in anonymity of this monument, there are clear and valuable evidences in this area that necessitate more studies in this regard. During this period and regarding central monarchy of Mongols as well as their specific attention to the trends of developing international business in main paths of silk route the areas around it gained great importance. In this regard, they pay higher attention to flourishing those places. They tend to making magnificent buildings in their architecture. Among the most significant attempts in this regard, building and decorating caravansaries in the framework and time period of first era of Azeri style as the most grandeur business body and the most eminent social service can be mentioned. The monuments of Ilkhani caravansaries are seen in different places of Azerbaijan province. The view and tendency of Ilkhani monarchy to founding caravansaries in North West of Iran has differentiated it from other eras in a way that it is considered as the start period of caravansary foundation in Iran and paying specific attention to protecting from business routes. The question which comes to the mind is that what chain of events can be considered for the creation of such structural bodies in that era. The answer to this question lies in the location of Azerbaijan province which is concerned as one of the most important business-communicative centers. It has always been a strategic area in Iran and its eminent role in economic interactions and oversea transactions and domestic fields is not something to be denied. Although because of full destruction of other sections of Alaki caravansary, it is not possible to study and examine its elements in a comprehensive and favorable manner for the researchers, the arch of entrance door left from the ruins is so magnificent that is actually graceful and appropriate for the dignity of a king's entrance. These details reveal higher welfare level compared with that of other known caravansaries beforehand in Iran. Therefore, it necessitates building a different construction and decoration combined by superb Azeri architectural features of creating grandeur, the using of carved stones and principals. A specific attention to creating grandeur in the minds of observers that is the main feature of Azeri style in architecture and their harmonic structure reveal the existence of a specific module for the construction of Alaki caravansary. The ratio of width to the length of its arch in a background made of turquoise tiles for making it more significant is an unusual and exotic feature of this monument. As a matter of fact, such view and feature today seems much less unusual for its era than for the observers of it at the moment. The basis of decoration in this structure is on considering geometric rules in a module which has appeared in the most delicate form in it. Full follow of geometric rules in the patterns and symbols are all embodied in a unique building of this style called Alaki Caravansary which is the product of continuation of local traditions and is the sign of harmony and order which are main features of Ilkhani art. The margins around are arranged using decorations with tiny-pattern tiles in order which is beyond the normal style of the caravansaries in the area and that era. The structure of Alaki caravansary differs with other caravansaries in Azerbaijan considering two aspects: first, the plan with four balconies in caravansary building belongs to it and is registered in architectural records. The caravansary in Mongol monarchy era which starts its development in Azerbaijan province and becomes quite indigenous modes of Azerbaijan. Therefore, studying the structure and introducing the decoration of Alaki building is considered the main objective of this research; obviously the restoration and recognition of architectural and decorative features of a ruined Ilkhanid building could lead us to a better understanding of architecture for that area becomes pioneer for other caravansaries in the area such as Ayrandibi and Darediz. From this aspect, it is completely different with roofed construction of Azerbaijan caravansaries that are formed proportional with cold and mountainous weather of this province. From the other hand, its flamboyant decorations seem to form in passage from Razi style to Azeri style, parallel with religious beliefs. In fact, engineering and decoration evolution, especially in the area of Azerbaijan, of this monument is a kind of reflection and reference of religious architecture of Ilkhani which is revealed in gravestones and altars of that era. This study is descriptive-comparative and analytic. To gather data, field and library methods were utilized. This paper was provided in an attempt for examining the construction and high decorations of Ilkhanid caravansary as the oldest example of four-balcony caravansaries in northwest of Iran. According to the findings of this research, the techniques used in the implementation of the Alaki Caravansary decorations are among the oldest Ilkhanid architectural innovations for decorating various forms of Caravansary in the area of Azerbaijan. One of the most distinctive examples of the decorating style of this building is revealed on the unique pattern of the main entrance gate in form of decorative arching which are parallel with Ilkhanid religious works and achievements.

Key words

Ilkhanian period, Alaki Caravansary, Architecture decoration, Azerbaijan era.

*. M.A. in Archaeology. University of Mohaghegh Ardabili, Iran. corresponding Author. aminmoradi66@yahoo.com

** . Ph.D. in Archaeology. Faculty member of research center of cultural heritage organization. Parva_8@yahoo.com